

در هیاهویی ز هیچ!

گزیده اشعار
ماکسینا کلانتر احمدی



خرم آباد
انتشارات شایورخواست

۱۳۹۴

سرشناسه	کلاتر احمدی، ماکسینا، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	در هیاهویی ز هیچ / شاعر ماکسینا کلاتر احمدی.
مشخصات نشر	خرم آباد: انتشارات شاپور خواست، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۵۱ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
شابک	ISBN: 978-600-260-187-2
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۴ ۲۱۶ د ۴ / ل ۸۳۵۸ PIR
رده بندی دیویی	۸۱۶۱ / ۶۲
شماره کتاب شناسی ملی	۳۷۲۵۷۸۸



انتشارات شاپور خواست

در هیاهویی ز هیچ!

گزیده اشعار

ماکسینا کلاتر احمدی

ناشر و محل نشر: انتشارات شاپور خواست، خرم آباد - همراه: ۰۹۱۶۳۹۸۴۰۱۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴.

آمور رایانه‌ای: فرشته صیادپیرانوند - طرح جلد: سهیمه اسدزاده

لیتوگرافی: آفتاب - چاپ: زیتون

شابک: ۲ - ۱۸۷ - ۲۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

بها: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۵	دختر هستی
۱۷	دام عنکبوت
۱۹	کشتی عشق
۲۰	بی تعادلی
۲۲	ترانه‌ی کشف
۲۴	ترانه‌ی باران
۲۶	پیوند
۲۸	کیمیای آب
۳۱	مادر
۳۳	رهایی
۳۴	سحرگاه تیره
۳۷	دختر کم

۳۹	پسر
۴۱	افشره‌ی هستی
۴۳	امید
۴۴	بید مجنون
۴۵	زندگان مرده
۴۷	شب اوج
۴۸	عشق
۴۹	وسوسه‌ی شیطان
۵۱	ره نو
۵۲	ناتمامی
۵۳	شب عادت
۵۴	اندیشه
۵۶	دانایی
۵۷	دانه‌ی مهر
۵۸	آن شب در اصفهان
۶۱	طرح شب
۶۳	سونامی
۶۵	بایدها
۶۶	آب
۶۸	معما
۶۹	رشد

۷۰	عاشقانه
۷۲	بی مهری
۷۴	راز
۷۵	زبان سیاه
۷۸	چراگاه زمین
۸۰	خواب مشبک
۸۱	ساختار نامرئی
۸۳	تک سُرایی
۸۴	طلوع خورشید
۸۵	بیگانگی
۸۷	سفید
۸۹	می جویم
۹۰	ابهام
۹۱	پرواز
۹۲	لحظه
۹۴	بهای ما
۹۵	تاج کاغذی
۹۶	جنبش
۹۸	سرخوشه هوش
۹۹	باد باختر
۱۰۰	بذر حیات

۱۰۲	 خانه‌ی من
۱۰۳	 پریدن از خواب
۱۰۴	 دخترم
۱۰۶	 باران نور
۱۰۸	 شب
۱۱۰	 تجزیه
۱۱۱	 جستجو
۱۱۲	 دیدن
۱۱۳	 نگاه
۱۱۶	 ترانه‌ی ما
۱۱۸	 سایه
۱۲۰	 تنهایی پُربار
۱۲۲	 بی‌نشان
۱۲۴	 ناشناس
۱۲۵	 نشان من
۱۲۷	 نقطه‌ی کور
۱۲۹	 شکوفه‌های مصنوعی
۱۳۰	 شکفتن
۱۳۲	 راز شب
۱۳۳	 زندگی
۱۳۴	 غُربت

۱۳۵	برق سگدها
۱۳۷	چکاوک
۱۳۹	غروب خورشید
۱۴۱	جوانه‌ی من
۱۴۲	در قدم‌زدنی احمقانه همه‌ی گل‌ها را به کردیم!
۱۴۵	خارستان مجاز
۱۴۶	صدای دریا
۱۴۷	دلار مرگبار
۱۵۱	نقش قشنگ

مقدمه

کنکاش روان انسان و چگونگی تعامل او با هستی از همیشه تا همیشه سؤال بشر بوده و هست. حساسیت به خود و چگونگی رابطه‌اش با جهان هستی، روابط اجتماعی او و این‌که هر نبضی که در نظام هستی می‌تپد و مرگ و زندگی هر موجودی حساسیت‌برانگیز است و جوهر انسان دائم در جوش و خروش است و به دنبال نظم و زیبایی و توازن و هماهنگی و یک کل منسجم است.

هر اثری اعم از متن ادبی یا شعر یا نقاشی و هر اثر دیگر حساسیت تمام وجود و چگونگی درک دنیایی که با آن در تعامل‌ایم و درک جهان هستی است که در ترکیب احساس و اندیشه، خود را می‌نمایاند. عشق به هستی بدون حساسیت امکان‌پذیر نیست. عشق تنها دست‌مایه‌ی من است در جهانی که فلسفه‌ای مصلحت‌گرایانه و صنعتی دروگر مرثیه‌خوان زمین است و نوشتن برج ضد حمله است در مقابل فلسفه‌ی فردگرایانه که کمال انسان را نشانه رفته و این برج آراسته شده به گل‌های ترانه و اینجا دم به دم دانش عشق و شعله‌های بیقراری در فضا و بخوانیم ترانه‌ی موسیقی و راز یک

ساقه‌ی سبز، راز این آبی‌ها، راز این رقص قلم و عشق بی‌هیچ عادت و دستور جانی خسته را در آغوش کشید. آن زمان که غفلتی مبتذل جان هستی را درو می‌کرد، تا ترانه‌ی کشف می‌خوانم آزادم.

ما عشق به غریزه نداده‌ایم. گذرگاه بهار را گلباران می‌کنم. ما در آغاز بیرون شدن از دهانه‌ی پرگاریم. زیبایی به شاخه‌ی مجنون بباویریم و صداقت به خوشه‌ی آفتاب و نان طعم غفلت داشت و دانش مزه‌ی تردید و من کشتی عشق را از همهمه‌ی هیچستان عبور خواهیم داد.

کبوتر نامه‌بر باخت به دانه نمی‌دهد. حرکت را به تکرار خواندم. زنان می‌نویسند: درخت پربارم. بالاخره این‌که نوشتن هنر استخراج تمامیت خود است از دام تجزیه و انفعال خواه اسم این دست‌نوشته‌ها شعر باشد یا نباشد، اثر وجودی من است.

وضعیت کره‌ی خاکی که ما در آن زندگی می‌کنیم مانند بدنی است که کامیونی از رویش گذشته و آن را له و لورده کرده، دنیایی سرشار از تناقض‌ها و تضادها، دنیای سود و قدرت، دنیایی که غول‌ها با دقت و ظرافت آن را می‌بلعند. دنیای بی‌تناسبی و انفعال و درماندگی بشر و صدای پی در پی ناقوس مرگ بر کره‌ی خاکی. توپخانه‌ای پیچیده در رنگ و لعاب و ابتذال که تمامیت هستی انسان را نشانه رفته و سر کلانتر این جهان مشغول حفظ نظم رومی با کلی سرمشق‌های نامریی.